

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که بود راجع به این روایاتی بود که در باب به حساب مضاربه بود که آیا اینها ربطی به بحث فضولی دارند یا نه که شیخ فرمود و عرض کردیم قبل از شیخ در مصادر اهل سنت بعضی از ارتباطات ذکر شده بود لکن انصافا همان طوری که بنای علمای متاخر ما مثل نائینی و دیگران است این روایت ربطی به باب فضولی ندارد اجازه و این حرفها هم نمی خواهد عرض کنم که این راجع به این .

بعد بنا به این گذاشتیم که یک مقداری شرحی هم که مرحوم آقای حکیم یا آقای خوئی فرموده بودند آنها را هم متعرض بشویم دیدم خیلی طولانی می شود و باز مبنا در مبنا می آید یعنی باید از این فرع به آن فرع برویم یعنی اگر شاید بخواهیم درست مسائلش را بررسی کنیم شاید دو سه هفته فقط باید در همین فرع بمانیم .

به هر حال به همین مقداری که خوانده شده اکتفا می کنیم البته مرحوم سید و آقای خوئی هم روایت را حمل کردند بر اینکه مثلا یعنی بحث کردند که آیا این شرط مرجعش به قید است یا این شرط است و اصولا بین شرط و قید فرق هست یا نه دیدیم یکی یکی اینها را گفتند اصولا شرط در عقد جائز معنایش چیست شروط ضمن عقد شروطی که در عقود اذنیه هست یا عقود تملیکیه دیدم خیلی طول می کشد هر چه فکر کردم دیدم آقا به همین مقدارش اکتفا بکنیم و انصافا قسمت هایش به تعبد است .

راجع به وضعیه که من چند بار عرض کردم مرحوم نائینی می فرماید این محمول در صورت استرداد ثمن درست مطلب مرحوم نائینی برای من روشن نشد اصلا ، استرداد بیع معذرت می خواهم . نفهمیدم بیع است مبیع است چاپ اشتباه شده است ، احتمالا بیع باشد به هر حال چون مطلب ایشان خیلی روشن نشد این بحث را هم ارجاعش می دهیم به همان تعبدی که در روایات است که فرمودند وضعیه و خسروانی که می آید بر خصوص عامل است بر رب المال نیست بعد از این روایت مرحوم شیخ قدس الله نفسه طایفه دیگری از روایاتی در انتجار به مال یتیم که با مال یتیم به اصطلاح تجارت بکند آیا ربح می خواهد یا نمی خواهد این را هم گرفتند برای عنوان اینکه برای فضولی دلالت می کند اولاً خود این روایت را بخوانیم این روایاتی که اینجا هست .

اولا به طور کلی یک بحثی را اشاره بکنیم چون جایش این جا نیست قطعا ، اصولا برخورد با یتیم در اصطلاح قرآنی یا اطفال یا صبی این خودش در ابواب مختلف فقه جا آمده است خیلی زیاد آمده لا تقر بوا مال الیتیم در قرآن داریم ، که گفتند مراد از یتیم در اینجا صبی

است یعنی این صبی را شامل می شود ولو پدر خود صبی یتیم هم نباشد . و لا یتیم بعد احتلام ، مراد از یتیم بچه ای است که هنوز دختری یا پسر است .

آن وقت احکام مختلف و متعددی در باب تمرین صلاة و تمرین روزه و در باب تادیب و در باب تعزیرات ، ابواب مختلف انصافا خیلی کار خوبی بود اگر این کار انجام می شد مجموعه ی روایات و آیاتی که مربوط به ایتام و اطفال بود البته این مؤسسه مرکز فقهی ائمه ی اطهار

یکی از حضار: یک هشت جلدی کار کردند .

آیت الله مددی: هشت جلد ، شش جلد ، هشت جلد ، چون نوشته بود یک وقت دیدم نوشته بود شش هزار صفحه راجع به اطفال جمع آوری کردند .

علی ای حال سالهاست در فکر من بود که این کار می شد چون البته ندیدم ان شاء الله تعالی کار ، بسیار آقا کار ضروری است زکات مال یتیم ، خیلی انواع مختلف در ضرب یتیم ، یکی از حضار: علی المذاهب الخمسه هم هست .

آیت الله مددی: بله

علی ای حال بسیار بسیار کار خوبی است این کار بسیار کار خوبی است و خیلی احتیاج داریم در ابواب مختلف رسیده در اینجا در این بابی که اینجا مرحوم شیخ به آن اشاره کرده در این دو بابی که در وسائل هست یک مقدارش راجع به اتجار است تجارت به مال یتیم است و سودی که پیدا می کند به یتیم بدهد یا نه و یک مقدارش هم راجع به زکات مال یتیم است .

این زکات مال یتیم از زمان صحابه هم نقل کردند ، عرض کردم در عده ای از کتب اهل سنت و به تبع آنها در عده ای از کتب ما این مطلب راه پیدا کرد نمی خواهم بگویم استدلال کردند ، راه پیدا کرد که ابو رافع مثلا بچه هایش را گذاشت در اختیار امیرالمؤمنین وصی قرار داد و اموالی گذاشت بعد که بالغ شدند و بنا شد امیرالمؤمنین اموال را به آنها بدهد یک مقداری کم شده بود پول کم شده بود گفتند یا امیرالمؤمنین این چرا پول کم شده است امیرالمؤمنین فرمودند من هر سال زکاتش دادم ، این را جزو ادله ی زکات مال یتیم . البته زکات مال یتیم یک دفعه این طوری است که پول هست هر سال زکات داده بشود ، یک دفعه با آن اتجار بکند زراعت بکند ، علی ای حال بسیار فروع فراوانی دارد و چند دفعه دیگر در همین جا هم عرض کردم این هم عرض کردم آقایان چون من این را گاهی اوقات تکرار می کنم در مسائل تاریخی گاهی کارهای خیلی عجیبی انجام دادند یعنی واقعا بلا نسبت به این عنوان که امیرالمؤمنین پول ایتام را وقتی به آنها داد

کم داد ، صد هزار تومان ابو رافع داده بوده مثلاً هشتاد هزار تومان داد ، گفت بیست تومان من در طول سال‌ها به صورت زکات دادم و این واقعا درد آورد است.

چون عرض کردم ابو رافع اصولاً در جنگ صفین شرکت کرد با امیرالمؤمنین در کوفه بود امیرالمؤمنین که شهید شدند همراه امام حسن به مدینه آمدند سال ۴۱ که مصالحه‌ای شد به قول آقایان ابو رافع اصلاً به مدینه آمد که حتی خانه‌ای هم نداشت امام مجتبی برای او خانه ساخت حالا این وصیت کرده بود ایام بود پولش را به علی داده بوده علی بن ابی طالب یک مقدار از پول‌ها را خورده بود واقعا انسان خیلی تعجب می‌کند که در جریان‌ات تاریخی تحریف را تا کجا آوردند شخصی که بعد از امیرالمؤمنین زنده بوده هنوز این را به این عنوان که ایشان را وصی بچه‌های خودش قرار داد دقت می‌کنید ؟

یعنی واقعا من چند دفعه این را عرض کردم که معروف است البته این قصه را به عائشه هم نسبت دادند در کتب سنی‌ها را نگاه کنید مثل مغنی ، در باب زکات ، زکات چیز به عائشه هم نسبت دادند احتماً می‌دهم اصل نسبت برای او بوده برای توجیهش به امیرالمؤمنین هم توجیه کردند .

علی ای حال این هم جزو عجایب قضایا هست یک عده از قضایا را به امیرالمؤمنین نسبت می‌دهند که عین آن برای کسی دیگر بوده یا برای عمر بوده یا ابوبکر بوده یا کسی دیگر بوده برای توجیهشان دیگر صحبت‌هایش را بعضی‌هایش را سابقاً کردیم .

علی ای حال عده‌ای از روایات اتجار به مال یتیم هست عرض کردم در این بابی که قرار داده شده هم اتجار هست هم زکات هست دو عنوان است نه یک عنوان ، یعنی اگر اتجار کرد این زکات داشته باشد ، می‌خواهید عبارت مکاسب را بخوانم برای شما به هر حال مرحوم صاحب مکاسب طبق قاعده فرموده است این اتجاری که شده اگر از ولی نباشد این احتیاج به اجازه دارد و معلوم می‌شود مثلاً ولی اجازه داده و لذا فضولی است آخرش هم حالا اگر می‌خواهید شما بخوانید دیگر حال خواندن ندارم . آخرش هم می‌گوید احتمال دارد این یک عقد فضولی باشد یک اجازه‌ی الهیه صادر شده برایش خداوند متعال آن را اجازه دادند ، مرحوم آقای نائینی می‌فرمایند این که خیلی مطلب عجیبی است مطلب ایشان حکم الهی اجازه نیست ، اجازه برای شخص است اگر حکم الهی باشد که حکم است دیگر معنا ندارد که اجازه‌ی شخص باشد و این هم بهتر این است مثل همان بحث‌های قبلی بهتر است بگوییم نفهمیدیم شیخ انصاری چه نوشته است ما که نفهمیدیم حالا آقایان بعد ، شان شیخ خیلی بعید است که بیاید اجازه‌ی الهی را در بحث فضولی بیاورد آخرش یک دو سطر دارد که اجازه را الهی گرفتند اجازه الهیه ، متعارف این است که احکام الهی حکم است اجازه نیست که ، کار شخصی نیست بنا نیست که خدا اجازه بدهد .

.....

علی ای حال این مطلبی هم که ایشان فرمودند و مرحوم نائینی هم اشکال کردند بنده که نفهمیدم اصلا مراد شیخ چیست که حالا بخواهیم اشکال بکنیم این مطلب هنوز برای ما قابل فهم نشد. این هم راجع به مطلب مرحوم شیخ، مرحوم نائینی و دیگران خوب اعتراض کردند که این حدیث ربطی به باب چیز ندارد، حالا برای اینکه اولاً احادیث خوانده بشود این وسائل کتاب زکات اگر دارید ابواب من تجب علیه الزکات باب دو، اگر وسائل خدمتان هست، جلد شش چاپ مرحوم آقای ربانی این چاپ جدید را هم نمی دانم، جلد ۶ باب ۲ از ابواب من تجب علیه الزکات متعرض حکم زکات مال صغیر شده است، البته در این روایت بیشتر متعرض حکم زکات شده لکن یکی دو تا روایتش هم مربوط به اتجار است کسب تجارت است، آن وقت آن اتجار را ببینیم جزو فضولی هست یا جزو فضولی نیست، روشن شد محل کلام حالا آقایانی که دارند بخوانند تا من یک توضیحی بدهم.

روایت اولش برای عن حریر است عن محمد بن مسلم آن باب زکات است، روایت زکات را اصلا نمی خوانیم.

یکی از حضار: وجوبها علی البالغ العادل وعدم وجوبها علی

آیت الله مددی: باب ۲ آقا باب ۲

یکی از حضار: من اتجر بمال الطفل

آیت الله مددی: بله باب ۲، نه آنهایی که شما خواندید، ابواب من تجب علیه الزکات باب ۲ نه مشخص است.

یکی از حضار: باب من اتجر بمال الطفل

آیت الله مددی: بله، حدیث یکش که برای کتاب حریر است عن محمد بن مسلم حدیث بدی نیست آن حدیث یکش که مربوط به

زکات است آن هیچ رهایش کنید حدیث دو و سه، شاید چندتایش مربوط به زکات است اشتباها اینجا آوردند نه اینکه اینجا آوردند اشاره

داده به این باب، این باب فقط بعضی هایش مربوط به اتجار است بعضی های دیگرش مربوط به زکات است و باب زکات غیر از اتجار

است بفرمایید آقا.

یکی از حضار: الان حدیث چندم است؟

آیت الله مددی: حدیث یکش را من اجمالا خواندم دویس را بخوانید شما.

یکی از حضار: وعنه، عن أبيه،

یکی از حضار: حدیث ۶

آیت الله مددی: اها، حالا بعضی هایش جمع بین هر دو کرده حالا من عرض می کنم بفرمایید آقا، فرقی نمی کند آقا بخوانید دو را بخوانید وعنه علی بن ابراهیم یعنی کلینی عن علی ابراهیم.

یکی از حضار: عن أبيه، عن إسماعيل بن مرار، عن يونس، عن سعيد السَّمَان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ليس في مال اليتيم زكاة إلا أن يتجر به

آیت الله مددی: این اتجار هست اما گفته زکات را در ربح بگذارد.

یکی از حضار: فان اتجر به فالربح لليتيم، وإن وضع فعلى الذي يتجر به

آیت الله مددی: این به درد ما نحن فيه می خورد، این فالربح لليتيم این بنا بر این که اتجار را چه کسی انجام بدهد اگر ولی انجام بدهد که فضولی نیست اگر غیر ولی انجام داد فضولی است.

یکی از حضار: از لفظ وضع؟

آیت الله مددی: آها و ان وضع.

این در این روایت مبارک در می آید که اگر اتجار شد، سوال از زکات بود لکن حکم اتجار هم درش آمده است البته در روایت اسماعیل بن مرار وجود دارد که توثیق نشده آقای خوئی هم به خاطر کتاب علی بن ابراهیم توثیقش کردند. عرض کردم غیر از مسالهی توثیق و بحث های رجالی به لحاظ فهرستی عرض کردم کتب مرحوم یونس که به قم آمد نسخ متعددی داشت حدود ۶-۷ نسخه ما از کتب یونس داریم، کتاب شناس معروف قم مرحوم ابن الولید ادعایش این بود که این نسخه ها قابل اعتمادند الا نسخه ی محمد بن عیسی، اگر محمد بن عیسی چیزی را منفردا نقل کرده در بقیه ی نسخ نیامده قابل قبول نیست، یکی از کسانی که نسبتا بد نیست در همین کافی هم آمده روایتش همین اسماعیل بن مرار است این اسماعیل بن مرار نسخه ای از یونس را به قم آورده دارد کلینی از این نسخه نقل می کند و از عبارت مرحوم ابن الولید معلوم می شود که این نسخه قابل اعتماد ایشان بوده است.

می ید کتب یونس بن عبد الرحمن التی هی بالروایات کلها صحیحة یعتمد علیها الا ما کان فيه عن محمد بن عیسی باسناد منقطع دو مورد، این هم مطلبی است که در اینجا است.

انصافا هم خود ما هم یک کمی تامل داریم و فکر می کنم در عده ای از نسخ ابیه نباشد، مجموع روایات اسماعیل بن مرار بعضی هایش دارد علی بن ابراهیم عن اسماعیل بعضی هایش عن ابیه عن اسماعیل، حالا این کتاب را نگاه کنید به نظرم بعضی هایش ابیه را ندارد اینجا ابیه را دارد.

به هر حال روایت محل تامل هست به لحاظ این نسخه‌ی مرحوم اسماعیل بن مرار به خلاف آن که مرحوم آقای ابن الولید خیلی برایش اعتماد کرده خیلی حالا اعتماد ما روی این روشن نیست روی این که روایات اسماعیل بن مرار و شرح مفصلی دارد که دیگر حالا جایش اینجا نیست .

در اینجا دارد که

یکی از حضار: کوفی ثقة

آیت الله مددی: چه کسی؟ اسماعیل بن مرار؟

یکی از حضار: سمان

آیت الله مددی: نه آن سعید بن یسار سمان نه ، اسماعیل بن مرار را گفتم کوفی ثقة

یکی از حضار: بله من بعدی را گفتم

آیت الله مددی: بعد از یونس به اصطلاح ، نه اسماعیل مرار محل کلام بود که آیا ، اگر نسخه‌ی چاپ اصلی معجم آقای خوئی هست اگر نزدتان هست چون من دارم در آنجا اسماعیل مرار را توثیق نکرده در جلد ۳ معجم چون در آنجا استخراج کتاب ابراهیم بن هاشم نشده بود در چاپ‌های بعدی آمده و روی عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن اسماعیل بن مرار به هر حال در چاپ کتاب معجم آن چاپ اصلی نجف توثیق ایشان نیامده اما در چاپ‌های بعدی توثیق ایشان آمده و بر هم نگشتند مرحوم آقای خوئی از توثیقات علی بن ابراهیم برنگشتند .

عرض کردیم این اجمال کلام قبول روایات ما به عکس ایشان مثل مرحوم کلینی به روایات محمد بن عیسی از یونس بیشتر اعتقاد داریم اعتماد داریم ، به هر حال فعلا این روایت از کتاب یونس است و مرحوم کلینی آن را قبول کرده کسی دیگر هم نقل کرده صدوق؟ بعید می‌دانم ، صدوق خیلی کم نقل می‌کند ، ببینید ذیل حدیث صدوق یا تهذیب و استبصار

یکی از حضار: تهذیب و استبصار دارد

آیت الله مددی: از کافی دیگر؟

یکی از حضار: بله

آیت الله مددی: در همه‌شان ابیه هست؟ این را یک نگاهی بکنید اسماعیل بن مرار علی بن ابراهیم عن ابیه عن اسماعیل است یا در بعضی‌هایش مستقیم از اسماعیل مرار است .

یکی از حضار: در این دو تا عن ایبه دارد در استبصار و تهذیب دارد

آیت الله مددی: چون در کافی آمده عن ایبه در کافی آمده قبول شده است. بله در کافی

عرض کنم خدمت با سعادتتان این روایت می گوید فان اتجر به معلوم نیست مراد از اتجاری که ایشان می خواهند ادعا بکنند ظاهرا

اتجار ولی است ولی هم فضولی حساب نمی شود ربح به بچه می رسد.

یکی از حضار: استاد اصلا معنای حدیث در فضای اقتصادی یعنی چه؟ می گوید اگر تجارت کند، سود کند، سود برای بچه، ضرر

کند برای آن که تجارت کرده است. چرا یک نفر باید با مال یتیم تجارت کند سود کند که چیزی به من نمی رسد مال یتیم، ضرر هم کند

خودم باید بدهم یعنی چه معنای اقتصادی دارد ولی خودش را به خطر بیاندازد برای اینکه صبی تجارت کند اگر حکمش این است.

آیت الله مددی: خوب لا تقر بوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن تشخیص داد که برود تا تهران فلان چیز را بخرد بیاورد خیلی به نفع یتیم

است رفت برگشت حالا تصادفاً آن روز مثل اینکه می گویند بازار دلار آمد پایین یک مشکلی پیدا شد قیمت جنس در بازار آمده پایین.

یکی از حضار: بالاخره یتیم مضارب به بدهد چطور مضارب به که بدهد نصف ربح برای خودش است.

آیت الله مددی: بله خوب مضارب به هم همینطور فرق نمی کند، البته این به اصطلاح احتمال دارد اتجار به نحو، آخر اینها اصطلاحاً

قرض دارند قراض دارند که مضارب به به آن می گویند بضاعت هم دارند بضاعة یعنی کالا، بضاعة سود کلا برای رب المال است در مضارب به

بینهما است در قرض هم سود کلا برای عامل است این سه نحو معامله است به لحاظ سود، این احتمال دارد ربح کله للیتیم به نحو

بضاعت بوده است. برده تجارت، اما حالا فرض کنید حادثه ای پیش آمد در زمان که الحمدلله زیاد می شود این بالا رفتن که زمان ما

خیلی عادی است خیلی مشکل خاصی ندارد.

یکی از حضار: اگر این باشد معنی اش این می شود که در عرف اقتصادی هیچ کسی، وقتی نفعی برایش دارد وقتی سود بشود، ضرر

بشود گردن من است هیچ کسی با مال یتیم نباید تجارت کند.

آیت الله مددی: خوب می گویم این به فکر آیهی مبارکه افتاد الا بالتی هی احسن گفت این خیلی خوب است رفت تهران فرض کنید

یک پارچه ای را آورده بودند این پارچه را خرید که کاملاً واضح بود سود آور است می گویم تصادف روزگار فرض کنید بازار ارز به هم

خورد پارچه قیمتش آمد پایین، این سوال این است. سوالی که در اینجا هست این است که و اینجا چون به هر حال اساس کار حفظ مال

یتیم است ضرر را به او نمی دهند، حالا اجازه بدهید بعد بقیه ی روایت را بخوانیم تا بعد جمعش بکنیم به یک روایت بفرمایید.

یکی از حضار: سوم وعن محمد بن إسماعیل عن فضل

آیت الله مددی: این یک طریق است و

یکی از حضار: وعن أحمد بن إدريس، عن محمد بن عبد الجبار جميعاً، عن صفوان بن يحيى

آیت الله مددی: این احمد بن ادریس همان ابو علی اشعری از محمد بن عبد الجبار نقل می کند و عرض کردیم چون این سند در کافی خیلی زیاد آمده عن صفوان احتمالاً طریق ایشان به کتاب صفوان است و صفوان غیر از جلالت قدرش یک کتاب خیلی مهمی شبیه همین شرائع نگاه کنید صفوان را جامع الشرائع یک چنین کتابی، خیلی کتاب مهمی دارد، من خودم هم نمی دانستم که چرا اینقدر از صفوان نقل می شود معلوم شد به خاطر این کتاب بسیار مهمش مرحوم کلینی دو نسخه از این کتاب صفوان دارد بیشتر دارد اینجا دو نسخه نقل می کند، یکی نسخه ی احمد بن ادریس یکی هم نسخه ی فضل بن شاذان و هر دو قابل اعتمادند البته به لحاظ صحت نسخه ی احمد بن ادریس صحیح تر است اصح است.

پس این به لحاظ نسخه از صفوان، اسم کتابش را من دائماً یاد می رود بگویند اسم قشنگی هم هست الجامع للشرائع، الشرائع یک چنین، یک کتاب مهمی دارد و این خیلی قابل اهمیت است معلوم شد این کتاب بعدها در قم خیلی ریش کار کردند ما دقت نکرده بودیم که این احمد بن ادریس یکی از نسخ این کتاب را در اختیار داشته است بفرمایید. عن صفوان؟ آوردید، ع

یکی از حضار: کتاب الفرائض هست برای صفوان می گویند یک کتاب الفرائض هست.

آیت الله مددی: نه یک چیز دیگر هم هست بخوانید.

یکی از حضار: له الشراء والبيع هست.

آیت الله مددی: همان الشراء و البيع از اولش بخوانید له کتاب چیست آقا؟

یکی از حضار: ایشان می گویند که يعرف منه الان کتاب الوضوء کتاب الصلاة

آیت الله مددی: معلوم می شود بعضی از کتبش متروک شده، دقت می کنید از اولش چه گفت له کتب یا له کتاب؟

یکی از حضار: وصنف ثلاثين كتابا كما ذكر اصحابنا يعرف منه الان كتاب الوضوء كتاب الصلاة كتاب الصوم كتاب الزكاة كتاب

النكاح كتاب الطلاق كتاب الفرائض كتاب الوصايا كتاب الشراء والبيع كتاب العتق والتدبير كتاب البشارات

آیت الله مددی: نزدیک سی تا شد دیگر تقریباً همه اش معروف بوده عرض کردم این جامع یعنی در ذهن من کتب ثلاثین، کتب

ثلاثین چون مرحوم حسین بن سعید نوشته بود سی تا کتاب به ابواب فقه معروف شد به الکتب الثلاثین بعد چه می گوید طریقتش را نقل

می کند.

یکی از حضار: اخبارنا علی بن احمد قال حدثنا محمد

آیت الله مددی: این علی بن احمد دیگر باید تذکر به شما بدهیم مراد از علی بن احمد، ابن ابی جید که آثار قمی را آورد بفرمایید.

یکی از حضار: قال حدثنا محمد بن الحسن،

آیت الله مددی: محمد بن الحسن ابن الولید است.

یکی از حضار: قال حدثنا محمد بن الحسن

آیت الله مددی: این صفار است، این زیاد داریم ما محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن، یکی اش ابن الولید است یکی صفار

است دومی صفار است عن محمد بن الحسن الصفار

یکی از حضار: عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب

آیت الله مددی: تا محمد بن الحسن صفار در قم است، توسط ابن ابی جید چون ابن ابی جید اصلش از قم آمده بغداد خود نجاشی

بغداد است توسط او می رود به قم دو دور در قم می چرخد می رود نزد ابن الولید می رود نزد صفار، صفار که رسید آن وقت می آید به کوفه

محمد بن الحسین، که منشاء خود تالیف، این هم نسخه ی بسیار خوبی است، بسیار نسخه خوبی است دیدید چقدر نسخ حساب

می شود، بعدش؟

یکی از حضار: و عن صفوان بسائر کتبه، نجاشی

آیت الله مددی: عرض کردم کلمه ی سائر ما اصطلاحا مثلاً یکی پنج تا کتابش را اسم می بریم می گوئیم و سائر کتبه، لکن گاه گاهی

سائر اصطلاحاً بجمع کتبهم یعنی، اینجا کلمه ی بسائر کتبه یعنی مرحوم محمد بن الحسین همه ی کتاب صفوان را به اصطلاح به این

طریق به ما اجازه داد.

یکی از حضار: همین کتبی که اسم برده شد؟

آیت الله مددی: همین کتبی که اسم برده شد. و معلوم می شود که بعضی از کتبش خیلی مشهور نبوده اما این کتاب هایش مشهور

بوده بفرمایید.

یکی از حضار: در معجم آمده اخبارنا علی بن محمد اشتباه است؟

آیت الله مددی: اشتباه است علی بن محمد، محمد نیست ابن ابی جید اسم پدرش محمد نیست.

یکی از حضار: عن إسحاق بن عمار، عن أبي العطار الحنّاط ادامه ی روایت

آیت الله مددی: کدام روایت؟

یکی از حضار: همین روایت عن صفوان بن یحیی عن إسحاق بن عمار، عن أبي العطار الحنّاط قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: مال الیتیم یكون عندي فأَتَجَرُّ به؟ فقال: إذا حَرَكْتَهُ فعَلَيْكَ زَكَاتُهُ، قال: قلت: فَإِنِّي أُحَرِّكُهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَأَدْعُهُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ؟ قال: عَلَيْكَ زَكَاتُهُ.

آیت الله مددی: باز هم با زکات اشتباه شد بفرمایید روایت بعدی

یکی از حضار: بعدی: ویاسناده عن محمد

آیت الله مددی: این روایت در زکات است در ربح نیست به اصطلاح بفرمایید.

یکی از حضار: ویاسناده عن محمد بن یعقوب، وذكر الذي قبله.

آیت الله مددی: این را هم چند بار توضیح دادیم دیگر واضح است در مباحث حدیثی لطیف است مرحوم صاحب وسائل گاهی پنج تا حدیث نقل می کند از کلینی بعد می گوید ورواه الشيخ حدیث آخری را باسناده و کذا الذي قبله این را ذیل هر حدیث بنویس دیگر. بعد از پنج حدیث آدرس می دهد از این کارها هم دارد مرحوم شیخ قدس الله نفسه صاحب وسائل دقت کردید؟ در ذیل حدیث اول نگفت شیخ نقل کرده است، در ذیل حدیث پنجم گفت این حدیث و احادیث سابق را، آدرس را بعد از حدیث پنجم می دهد این ها امروز در تحقیق کتب لطیف نیست یعنی راه خیلی قشنگی حساب نمی شود بله بفرمایید.

یکی از حضار: ویاسناده عن سعد عن محمد بن الحسين

آیت الله مددی: عرض کردم اگر در جایی دیدید و یاسناده عن سعد مرحوم شیخ طوسی است، از این جا برمی گردد به شیخ طوسی تا اینجا عطف به کلینی بود بینید حدیث قبلی اش را بخوانید محمد بن الحسن دارد چون اسمش را کامل برد احادیث بعدی عطف به محمد بن الحسن است چهار پنج تا حدیث برای کلینی بود بعد عطف را عوض کرد تا گفت محمد بن، اما اگر گفت ورواه الشيخ عطف را عوض نمی کرد.

یکی از حضار: در ادامه محمد بن یعقوب را هم اسم می برد. بعد از محمد بن الحسن و یاسناده عن محمد بن یعقوب وذكر الذي

قبله این محمد بن یعقوب است اسم را تصحیح کرده بعد ویاسناده می گوید تا محمد بن الحسن

آیت الله مددی: ها ویاسناده یعنی محمد بن الحسن نه محمد بن یعقوب بفرمایید.

یکی از حضار: وسطش را نام برده

آیت الله مددی: اصطلاحاً اگر صدوق نیاورده باشد از منفردات شیخ طوسی است. عرض کردم آنچه که از کتاب

یکی از حضار: این که الان خواندیم فکر می‌کنم فقط استبصار و تهذیب آورده است.

آیت الله مددی: بله، عرض کردم خدمتان که منفردات سعد نزد شیخ است کسی دیگری نقل نکرده است و انصافاً هم روایت سعد

یک جوری است حالا با جلالت شانش بفرمایید.

یکی از حضار: عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد

آیت الله مددی: عن محمد بن الحسين عبارت از همین ابن ابی الخطاب است یعنی ایشان توسط سعد رفت به کوفه از اینجا رفت به

کوفه شیخ از بغداد میراث سعد را نقل می‌کند که برای قم است از سعد رفت به کوفه بفرمایید.

یکی از حضار: محمد بن عبد الحميد

آیت الله مددی: آن هم برای کوفه است.

یکی از حضار: محمد بن الفضيل

آیت الله مددی: محمد بن ؟

یکی از حضار: فضيل

آیت الله مددی: عرض کردم نمی‌دانیم بصری است از دی است کذا بله ؟

یکی از حضار: قال : سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن صبية صغار لهم مال بيد أبيهم أو أخيه ، هل يجب على مالهم زكاة ؟

فقال : لا يجب في مالهم زكاة حتى يعمل به ، فإذا عمل به وجبت الزكاة ، فأما إذا كان موقوفاً فلا زكاة عليه.

آیت الله مددی: این ربطی به ما نحن فيه ندارد آقا عرض کردم می‌خوانیم اما ربطی بما نحن ندارد این برای زکات است ربطی به ربح

ندارد. حالا به خاطر آشنایی یک مقدار روایت بخوانیم خوشحالیم ما هم یک کمی استراحت بکنیم از این جهت.

یکی از حضار: وعنه ، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عن عبد الله بن جبلة فكر كنم رفت روی واقفیه و اینها

آیت الله مددی: این هم کوفی است اما واقفی است

یکی از حضار: عن إسحاق بن عمّار ، عن سماعة بن مهران

آیت الله مددی: اینها همه کوفی هستند اما خیلی نمی‌شود تشخیص مصدر داد کارهای فهرستی این حدیث مشکل است دیگر

شرحش باز جای دیگر یک شرح طولانی دارد بفرمایید.

یکی از حضار: قلت له: الرجل يكون عنده مال اليتيم فيتجربه، أیضمنه؟ قال: نعم، قلت: فعليه زكاة؟ فقال: لا، لعمری لا أجمع علیه خصلتین: الضمان والزكاة.

آیت الله مددی: بله، حالا روایت یتیم را که قبول نکردیم از معاصرین بعضی از آقایان دیدم احتیاط وجوبی کردند که از مال بچه هم خمس داده بشود یا زکات اما روشن نیست انصافا روشن نیست بفرمایید.

یکی از حضار: وبإسناده عن محمد بن علي بن محبوب

آیت الله مددی: باسناده شیخ طوسی این از کتاب نوادر محمد بن علی، که عرض کردیم کرارا کتابی بوده که روایات شاذه را دارد بفرمایید.

یکی از حضار: عن أحمد، عن الحسن بن محبوب

آیت الله مددی: این احمد اینجا به حسب قرائن قویه باید احمد اشعری باشد احتمال هم دارد مرحوم احمد بزنطی باشد بفرمایید.

یکی از حضار: عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن حریز

آیت الله مددی: چه حریز؟

یکی از حضار: عن خالد بن حریز

آیت الله مددی: جریر است آقا ابی الربیع شامی، این خالد بن جریر کتاب ابی الربیع شامی را نوشته است.

یکی از حضار: اینجا حریز دارد بعد ابی الربیع داریم

آیت الله مددی: بله ابی الربیع، خالد بن اوفی یا خلیل بو اوفی اسم ضبطش ابی الربیع، این سند به عینه تکرار شده است. کتابی

داشته ابی الربیع شامی توثیق تمامی نشده اما شواهد قبول دارد، این ابی الربیع شامی به خاطر همین حدیث موسیقی و یکی به خاطر آن

حدیث جن معروف است لا تعامل الجن، اکراد فانهم طائفة من الجن آن نهی از معامله ی با اکراد برای همین ابو الربیع شامی است

فانهم طائفة من الجن کشف الله عنهم الغطاء، تصادفا بعضی از مراجع در نجف که اسم می برم شاید برای اولین بار بود که مبلغ به

منطقه ی اکراد عراق فرستادند تصادفا در رساله شان هم نوشته بود، که حالا به آنها گفتند آقا اولی که اینها می خواهند با دین آشنا بشوند

شما نوشتید طائفة من الجن کشف الله عنهم الغطاء حالا ظاهرا برداشته بود بعدش، می گویم حالا شانس این جور شده بود که اولین

شخصی بود که می رفت برای اکراد شمال عراق

یکی از حضار: حاج آقا وقتی عربی با آنها ازدواج کند بچه اش می شود نیمه جن؟

آیت الله مددی: بله، نیمه جن بفرمایید.

یکی از حضار: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون في يديه مال لأخ له يتيم وهو وصيه، أ يصلح له أن يعمل به؟ قال: نعم

آیت الله مددی: البته خود ابو الربيع تاجر بود شاهدش هم همين است اهل كوفه است ایشان هم او هم خالد بن جرير هر دو اهل كوفه هستند تجارتش به شام بود لذا به او می گویند ابو الربيع شامي، شامي نیست ایشان اهل كوفه است تجارتش به شام است.

یکی از حضار: توثيق دارد؟

آیت الله مددی: توثيق روشنی ندارد با قرائن و اینها مثلا اما به هر حال این نسخه تا حدی معروف بوده این نسخه ی ابو الربيع شامي و امتياز اساسی اش هم این بوده که مثل حسن بن محبوب آن را نقل کرده است از خالد بن، یعنی حالا شما خلیل بن اوفی یا خالد بن اوفی را از نجاشی بیاورید

یکی از حضار: له كتاب يرويه عبدالله بن مسكان

آیت الله مددی: نه خالد بن جرير بیشتر است

یکی از حضار: حالا جرير یا خلیل بن اوفی

آیت الله مددی: خلیل بن اوفی یا خالد بن اوفی

یکی از حضار: خلیل بن اوفی ابو الربيع الشامي العنزی روی عن ابی عبدالله عليه السلام له كتاب يرويه عبدالله بن مسكان اخبرناه احمد بن محمد بن هارون ابا صلت نوشته قال حدثنا احمد بن محمد بن سعيد قال حدثني يحيى بن زكريا بن شيبان الكندي ابو عبدالله قال حدثنا محمد بن سنان قال حدثنا ابن مسكان عن ابی الربيع بكتابه، يك ابی الربيع شامي بعد دارد دوباره ایشان نوشته است اخبرنا ابن نوح فقط هم همين طريق داده هيچ كتابی نیست، عرض كنم خدمتتان عن الحسين بن علي عن احمد بن ادریس عن محمد بن احمد بن يحيى عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب عن حسن بن محبوب عن خالد بن جرير

آیت الله مددی: این نسخه معروف است، شاید ایشان دو بار همين قاعده ای که اخيرا عرض کردم مرحوم نجاشی دو بار اسم یکی در

ابی الربيع یکی هم در خلیل

یکی از حضار: يك بار ۴۰۳ آورده يك بار ۱۲۳۳

آیت الله مددی: بله احتمالا دو بار ولی در باب كنی آورده و در باب اسماء یکی هستند.

یکی از حضار: شيخ يك مرتبه آورده است.

متن کامل مطابق با صوت دروس خارج فقه حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه - ۲۰۲۴/۰۲/۲۰ - ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

موضوع: خارج فقه - بیع

جلسه: ۵۳

صفحه ۱۴

آیت الله مددی: علی ای حال ما چیزی را که داریم کاملاً واضح است که راوی ایشان خالد بن جریر است.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين